

# مسجد

## جمعه اردبیل

م. سیرو

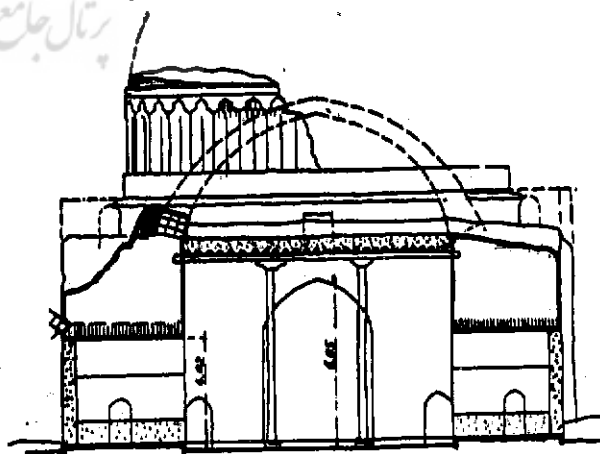
ترجمه منصور فلاح نژاد

شهرت شهر اردبیل به دلیل وجود مقبره‌های صفوی است و به همین دلیل است که توجه پژوهشگران و مؤلفان بدان‌جا معطوف گشته است. با وجود این، تا به حال مسجد جمعه اردبیل کم‌تر مورد مطالعه واقع شده است و البته دلیل این امر وضعیت کنونی و ویرانی آن است. مقاله حاضر به تشریح و توصیف این بنا پرداخته و آن را از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار می‌دهد.

مسجد بر روی تپه‌ای مصنوعی با ارتفاع تقریبی ۵ متر، که در شمال شرقی شهر کنونی اردبیل واقع می‌باشد، قرار گرفته است. راهی که به این تپه کوچک می‌رسد به یکی از پُر جمعیت‌ترین محله‌های قدیمی منتهی می‌شود. در اطراف این بنا مقبره‌های متعددی یافت می‌شود؛ در قسمت غربی، پایه یک مناره مشاهده می‌شود و روبه‌روی در ورودی، نشانه‌ای از یک حوض را می‌توان یافت. به غیر از قسمت جنوبی این بنا که مشرف به شهر کنونی اردبیل است، تمام قسمت‌های دیگر این منطقه پُر از تپه‌ها و مسیل‌های کوچک است که سطح وسیعی را اشغال نموده‌اند.

از زاویه دید خارجی، این بنا به شکل مکانی مسطح و یکپارچه به نظر می‌رسد (با طول تقریبی ۳۶ متر، عرض ۲۰ و ارتفاع ۷ متر) و بر روی پی عمارت پایه نیمه‌ویرانه یک گنبد قابل مشاهده است. در ساختمان

ایران، مسجد جمعه اردبیل (وضعیت تخریب‌شده فعلی).



عین حال باعث اتصال رأس دیوارهای داخلی و خارجی بنا می‌شوند. به علاوه در بنای این مسجد سه نوع تزیین کاملاً متفاوت را می‌توان مشاهده نمود.

تحقیقی که در مورد سلف مسجد به عمل آمده است نشان می‌دهد که تالار جدید عبادت قبلاً به وسیله گنبد بزرگی که قسمتی از آن هنوز هم وجود دارد پوشیده شده بود، در ضمن، ستون گنبد، علی‌رغم حلقه‌هایی که آن را احاطه کرده‌اند، با ضخامتی که دارد به نظر ضعیف می‌رسد. این ستون بر روی سکوی بسیار هریمی قرار دارد (حداقل ۳/۱۰ متر) که از داخل آن راهرو کوچکی می‌گذرد. از این سکو فقط قسمت داخلی آن باقی مانده که بر روی آن ستون مذکور ساخته شده است.

اکنون به ارایه اطلاعاتی چند در مورد این بنا پرداخته می‌شود؛ ابتدا اشاره‌ای می‌نماییم به آنچه که از ساکنین محلی این منطقه شنیده شده است: مسجد جمعه دقیقاً در جایگزینی و در محل یک بنای تاریخی پیش از اسلام ساخته شده است. این روایت تقریباً پذیرفتنی است:

مقدسی از قلعه‌ها، استحکامات و بازارهای اردبیل صحبت می‌کند که مرکب از چهار گذرگاه یا مسیر بودند. در تقاطع این گذرگاه‌ها مسجد جمعه قرار داشت. در خسار از شهر حومه بسیار وسیعی مشاهده می‌شد. در سال ۱۶۱۷، اردبیل با تهاجم مغول‌ها غارت شد و ویرانه گشت.<sup>۱</sup>

باری، با سلیقه ساسانیان برای ساخت شهرهای مطابق قاعده و بناهای مذهبی که در مرکز این شهرها می‌ساختند آشنا هستیم.<sup>۲</sup> روایت دیگری ساخت این شهر را به فیروزشاه نسبت داده است (در سال‌های ۴۸۴-۴۵۷ میلادی).<sup>۳</sup>

بنابراین با توجه به محله‌های رها شده که در شمال مسجد قرار دارند، به نظر می‌رسد که گفته مقدسی به روایت‌های محلی اعتبار می‌بخشد. در حقیقت این روایت‌ها با مطالعه بنای مسجد بیش‌تر به اثبات

این بنا هیچ‌گونه تجانس ظاهری دیده نمی‌شود؛ استحکامات و درگاهی‌های متعددی به چشم می‌آیند و قسمت‌های شیاردار و مجزای گمان‌ها نشان از آخرین یادگارهای گنبد از بین رفته دارند. از زاویه دید داخلی، مسجد دارای تالار ساده و مستطیل شکلی است (۹/۷۵×۱۲۰ متر) که در آن آهک به کار رفته و به رنگ سفید است. سقف چوبی آن نیز به کمک هشت تنه ضخیم درخت حایل شده است. درون مسجد منبر کوچکی ساخته شده که ارتفاع آن نزدیک به نصف ارتفاع دیوار شمالی مسجد است. مقابل همین منبر است که ورودی فعلی مسجد قرار گرفته است:

دیوارهای شرقی و غربی مسجد هر کدام از میان دو طاق کوچک و یک طاق بزرگ می‌گذرند. دیوار جنوبی زیر یک طاق هریمی و مرتفع که از یک قسمت محدود است، قرار گرفته است. این طاق باعث دسترسی به تالار سرپوشیده گنبددار می‌شود. اندازه این تالار که از تالار اول بزرگ‌تر است به ۱۲/۵۷×۱۲/۶۲ متر می‌رسد. دیواره شمالی آن به وسیله دو طاق کوچک و یک درگاهی پوشیده شده‌اند. در قسمت جنوبی، محراب وسیعی وجود دارد که ساده و یکدست و هاری از خطوط است. قابل ذکر است که برای ساخت تمام دیوارها، آن‌ها را کاملاً از راهروهای کوچکی عبور داده‌اند که تقاطع طاق‌ها را به هم متصل می‌نمایند و در



می‌رسند. اما راجع به ویرانی سال ۶۱۷ هجری، روایت دیگری وجود دارد. ابو الاؤن «اردبیل را در سال ۶۱۷ هجری دیده است، پس از عبور وی از این شهر بود که تاتارها به آنجا حمله کردند و پشت سر خود جز یک شهر ویران که تقریباً به بیابان مبدل شده بود چیزی برجای نگذاشتند». ۴ بعد از این تاریخ مسجد اردبیل بازسازی شد. آل آریؤس (۱۶۳۷ میلادی)، پس از برشمردن مسجدهای این شهر چنین توصیف می‌نماید: بزرگ‌ترین مسجد در بین این مساجد، مسجد آدینه (جمعه)، بر روی یک تپه کوچک واقع شده است. این مسجد دارای مناره و بیزه‌ای است که گیرد و مرتفع است. در نزدیکی این مسجد چاه و وجود دارد که توسط رئیس عدلیه ساروخورج شاه که بعدها محمدرضا نامیده شد، ساخته شده است. وی آب را از کوهی که در هزار متری جنوب غربی شهر قرار داشت به وسیله کانال‌های زیرزمینی تهیه می‌کرد. کسانی که می‌خواستند برای عبادت به مسجد بروند از آب این چاه استفاده می‌کردند. ۵

از موارد توصیف‌شده فوق به سه مورد مهم می‌توان اشاره نمود: مناره و بیزه و مرتفع، طرز واقع شدن بنا روی زمین و مکان وضو. در پنجم اکتبر سال ۱۷۰۳ میلادی، سیاحی به نام لوبزن از اردبیل عبور کرد. وی به غیر از نقشه بسیار جالبی که ترسیم نموده، یادداشت‌هایی نیز به یادگار گذاشته است:

این مسجد در شرق شهر بر روی ارتفاع کوچکی واقع شده و به قسمت‌های متعددی تقسیم شده است که در آنجا به عبادت می‌پردازند. قسمت اصلی آن که نسبتاً بزرگ و مدور است زیر گنبدی واقع شده. این گنبد نیز بر روی دیواری گرد و تقریباً کوتاه قرار گرفته است. روبه‌روی این مسجد نیز چشمه‌ای وجود دارد.

نقشه ترسیمی لوبزن بسیار دقیق است، بعداً به آن خواهیم پرداخت. با این حال جای تعجب است که چرا

ری از وجود منارهٔ مسجد صحبئی به میان نیاورده است. احتمالاً این مناره قبل از آن زمان از بین رفته بود. اخیراً ژ. دو مورگان که سفری اجمالی به اردبیل داشته است دو نقشه از این مسجد ارایه داده که البته دارای اشکال است. در یکی از این نقشه‌ها ویرانهٔ مسجد به جای مقبرهٔ سلطان احمد سیاهپوش معرفی شده و در دیگری زاویهٔ دید مسجد از جنوب غربی به جای ویرانهٔ کاخ سلطان عثمان‌خان که در سال ۹۴۲ هجری<sup>۶</sup> ساخته شده معرفی شده است.

وانگهی ف. سار<sup>۸</sup> پس از ذکر نقل قولی از آل آریؤس که قبلاً<sup>۹</sup> ذکر شد به خطای ژ. دو مورگان اشاره نموده و این تفسیر را به اجمال اضافه می‌نماید:

در تصویر ارایه شده از سوی آل آریؤس این بنا قبل از تخریب مشاهده می‌شود. در آنجا منظرهٔ مسجد دقیقاً منطبق بر واقعیت‌هایی است که می‌توان از ظاهر فعلی مسجد استنباط نمود.

همین مؤلف تصویری را از بنای مسجد ارایه می‌دهد که منطبق بر نظر دو مورگان است. اما در طرح وی منارهٔ مسجد اشتباه ترسیم شده است. در واقع مناره کوچک و مربعی شکل نشان داده شده و به صورت یک چهارگوش زاویه‌دار است. ف. سار موارد جالب توجهی را اضافه می‌نماید:

گنبد مثل شکل مدور و نوک تیزی به نظر می‌رسد، لبه‌هایی که اطراف پایهٔ ستون را دربر گرفته‌اند این فرضیه را که ساختمان بنا متعلق به بعد از نیمهٔ دوم قرن چهاردهم میلادی است، تثبیت می‌نماید....

از نقل قول‌هایی که شد می‌توان موارد زیر را نتیجه گرفت: وجود مسجدی قدیمی در اردبیل، مقایسهٔ دقیق آن با ساختمان بنایی که در این‌جا معرفی شده، تخریب قسمتی از آن در سال ۶۱۷ و سپس بازسازی آن.

بررسی‌های به‌عمل آمده نشان می‌دهد که قبل از سال ۶۱۷ هجری این مسجد دارای ایوان هریضی بوده که مشرف به بیرون بوده و تالار گنبددار سرپوشیده‌ای

نیز داشته است. در واقع اولین آرایش موجود در دیوارهای ایوان و نیز در راهروهای کوچک تالار بزرگ که گمان‌ها را تزئین می‌نماید، نمایان است. این آرایش برجستهٔ نسبتاً ضخیم در بندها و اتصالات ساختمانی به کار رفته و گاهی به شکل گل و بوته است. در حقیقت این شیوهٔ معماری همان اسلوب شناخته شدهٔ سلجوقیان است که در بناهای متعددی به کار رفته است.<sup>۱۰</sup> می‌توان این شیوه را به نیمهٔ دوم قرن پنجم و یا کمی بعد یعنی شروع قرن ششم هجری نسبت داد.<sup>۱۱</sup>

در این عصر ایوان به وسیلهٔ سقفی گنبددار پوشیده شده بود. محل عبادت دارای گنبد کوچکی بود و روی پایهٔ بنا که قبلاً به آن اشاره شد، قرار گرفته بود. در این سپایه، راهرو کوچک گنبدداری ساخته شده بود: سرستون‌های این گنبد از جنس سنگ بودند. در دیوارهٔ این راهروها پنجره‌های کوچکی قرار داشتند که روشنایی را به داخل مسجد هدایت می‌کردند. در این طرح مسئلهٔ تعجب‌انگیز این است که طاق ایوان تا نصف ارتفاع گنبد بالا آمده و قسمتی از آن را پوشانده است. البته این امر به نظر غیرممکن نمی‌رسد، در بناهای دیگر می‌توان شاهد چنین وضعیتی بود.<sup>۱۲</sup> از این رو می‌توان نتیجه گرفت که ساخت طاق ایوان کمی بعد از ساخت طاق گنبد صورت گرفته است.

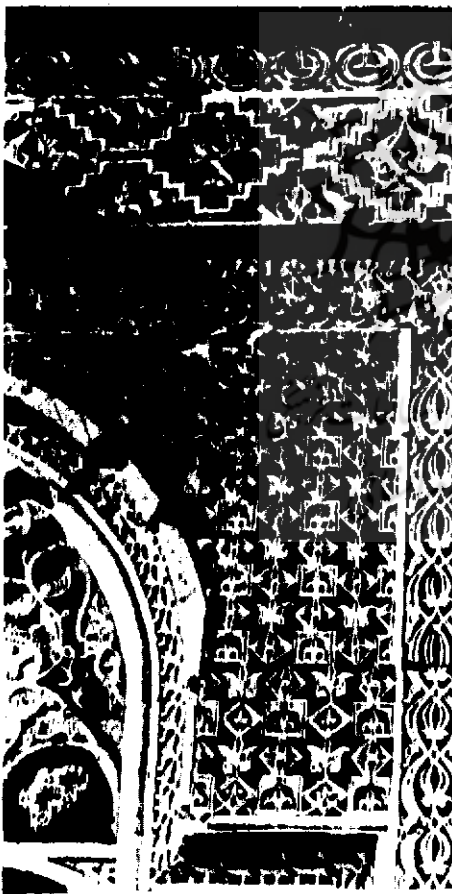
تحقیق دیگری شایان توجه است: ایوان و هم‌چنین محل عبادت از همه‌سو به طرف بیرون مسجد باز شده بودند. البته تمام این درگامی‌ها با گذشت زمان و با ساختمان‌سازی‌های پس‌دری در عصر دوم مسدود شده‌اند. فقط از یک‌سو (بخش جنوبی) تعمیر گلی دیوار صورت گرفته است، حداقل می‌توان گفت که این کار را در قسمت بیرونی دیوار انجام داده‌اند زیرا بقایای یک قسمت از کار ساختمانی قدیم هنوز هم در آن‌جا قابل مشاهده است. در واقع، اگر مسئلهٔ تطابق قرینه‌ای در نظر گرفته شود باید گفت که در بخش اندرونی، در سمت چپ محراب، شکافی دقیقاً در همان محل که می‌بایست

یک درگاهی ساخته می‌شد. قابل مشاهده است. قابل ذکر است که ترمیم آرایش‌ها و تزیینات بیرونی شامل سطح بزرگی است که در کنارش دو سطح کوچک‌تر یافت می‌شود. بین این سطوح شکافی قرار گرفته است و این مطلب به این معنا است که ترمیم آن در دو نوبت متفاوت صورت پذیرفته و اولین ترمیم در سطح مرکزی انجام یافته است.

بنابراین عرض سطح مرکزی با تلاقی قابل ملاحظه‌ای نسبت به فضایی که با فضای داخلی مسجد قابل اندازه است تطابق پیدا کرده. فضای سطح مرکزی نیز دارای یک راهرو کوچک و دو اتاق بوده که رو به بیرون باز می‌شدند. طاق مرکزی که وجود آن بی‌تردید به اثبات رسیده است، به وسیله محراب اشغال شده بود. این توده متراکم از بین رفته موجب درک آسان چگونگی امتداد دیوار می‌شود. به همان نسبت این احتمال وجود دارد که در دیوار جنوبی، دو محل که باعث دسترسی به بخش فوقانی بنا می‌شوند، ساخته شده باشد.

به‌هرحال این نقشه با شیوه بسیار قدیمی و با نکات مثبت و منفی‌اش در مجموع خیلی به نقشه‌های کلاسیک ساسانی نزدیک است<sup>۱۳</sup> و به‌استثنای راهروهای داخلی می‌توان آن را قرینه مسجد کاج دانست که تقریباً تاریخ ساخت آن مربوط به همین عصر است.<sup>۱۴</sup> اما راجع به راهروهای کوچک داخلی، ما آن‌ها را در دو بنای تاریخی دیگر مشاهده کرده‌ایم، یکی مقبره اسماعیل سامانی و دیگری مقبره بایان‌قلی‌خان در بخارا.<sup>۱۵</sup> م. رامهل در پژوهش بسیار جالبی که به‌عمل آورده است، تاریخ ساخت نخستین مقبره را به پایان قرن نهم یا ابتدای قرن دهم میلادی نسبت داده و خاطرنشان می‌نماید که چنین گودی‌هایی نشانه‌ای از معماری دوران قبل از اسلام است.<sup>۱۶</sup>

مراحل ساخت نخستین منسجد چه بود؟ آیا ایوان پس از محل عبادت (اندرونی مسجد) ساخته شد؟ آیا این دو بخش بر روی باقی‌مانده‌های یک بنای قدیمی که



نقشه‌اش حفظ شده بود ساخته شدند؟ تصور می‌شود در بخشی که ترکیب مسجد را به وجود می‌آوردند دقیقاً مربوط به یک عصر باشند. تمام قوس و کمان‌ها و نیز طاق راهروها طرح مشابهی دارند. دیوارها با خشت‌های مشابهی ساخته شده‌اند، با ابعاد  $6 \times 8 \times 18$  و در گذار از میان ایوان و اندرونی مسجد هیچ انقطاعی به چشم نمی‌خورد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد تنها می‌توان ذکر نمود که ایوان مسجد از لحاظ زمانی پس از گنبد اصلی آن ساخته شده است.

اما راجع به بازسازی کُل بنا بر روی یک ویرانه، به نظر می‌رسد که این مطلب بدیهی باشد و این امر نسبتاً با بی‌فایده‌گی جهت محور اصلی بنا هم‌آهنگی دارد. در واقع محور اصلی نمایانگر اختلاف  $180^\circ$  درجه‌ای فقط با شمال مغناطیسی است. پس از تخریب جزئی در سال ۶۱۷ هجری، دومین دوره بزرگ این بنا، فرصت خوبی را برای اصلاحات مهم و قابل توجه فراهم کرد، زیرا حداقل بخشی از گنبد اصلی و طاق ایوان از بین رفته بودند. با وجود این، به غیر از سطح جنوبی برخی دیوارها که ریزش کرده بودند، دیوارهای بلند و ضخیم دست‌نخورده باقی مانده بودند. اما قسمت‌های کوچک خرطومی شکل از طاق گنبد اصلی از بین رفته بودند. همان‌طور که اشاره شد ترمیم‌ها شامل ترمیم کامل دیوار جنوبی در دو دوره، با افزایش محسوس ضخامت کُلّی و انسداد راهروها همراه بود. گنبد اصلی به‌طور کامل ساخته شد، اما به جای وضعیت اولیه آن که خیلی ابتدایی و کوتاه بود، آن را بر فراز ستونی لبه‌دار که اکنون بقایای آن قابل مشاهده است، افزایش دادند. این ستون شامل دو بخش است: بخش داخلی که تحمل فشار بر عهده آن است و به شکل استوانه می‌باشد، بخش دیگر که صرفاً جنبه تزئینی دارد و از لبه‌هایی تشکیل شده که ضخامت‌شان فقط ۳۰ سانتی‌متر است. با وجود این، این نوع طرز ساخت که به اتصالات متعدد چوبی متصل است موجب تعمیر کامل قسمت‌های کوچکی از طاق

گنبد شده است.

درگاهی‌های کوچک که قبلاً باعث روشنایی مسجد می‌شدند مسدود شدند، آثاری از آن‌ها را هنوز هم می‌توان مشاهده نمود در عوض در سطوح شرقی و غربی و در محورهایشان دو پنجره چوبی کتیبه‌دار تعبیه شدند. از گنبد جدید تنها دو قسمت مقعر باقی مانده که البته همین قسمت‌ها برای تعیین ساختار و انحنای سقف کافی می‌باشند. طبق این نشانه‌ها می‌توان گفت که گنبد باریک بوده (۹۰ سانتی‌متر در پایه) و ضخامت زیادی نداشته است: احتمالاً پشتیبان و حفاظ بیرونی آن روکش به شکل مربع و از جنس بدل چینی بوده است. منظره بیرونی آن می‌بایستی تقریباً شبیه به کناره‌های گنبد مقبره سلطان خدابنده باشد. این ساختار ساختمانی پابرجا و ماندگار نبود: از تحقیقی که بر روی طرح ترسیمی آن انجام شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که فقط اتصالات چوبی مستقر در پایه به‌طور موقت فشار را تحمل می‌کردند در واقع پوسیدگی این سلسله اتصالات و عامل لرزه مقاومت این تعادل را از بین بردند.

آیا سقف ایوان دوباره ساخته شده است؟ یا وجود گذشت زمان و تعمیرات متعدد، برخی نشانه‌ها حاکی از آن‌اند که این سقف هرگز بازسازی نشده است. قسمت فوقانی ورودی این ایوان شکل قوس بسیار زیبا را در یک بنای تاریخی به نمایش می‌گذاشته است. ما قبلاً به این قوس اشاره نمودیم و گفتیم که آل آریؤس و لویزن آن را در وضعیت مناسبی مشاهده کرده بودند. در دوره دوم بازسازی مسجد باز هم الحاق شاپان توجهی وجود داشت. این الحاق در مورد نمای تکمیلی ساختمان بنا در امتداد طولی و در دیوار بلند شرقی از سمت بیرون بود. در واقع در ساخت این دیوار و نیز در تفکیک پنج قوس بالای آن می‌توان وجود زو عریضی را مشاهده نمود. ساختار مذکور سطحی بوده و با طاق‌نماهای کوچک (۶×۵ متر) صورت می‌پذیرفته است. این الحاق

که هنگام بازدید لوبرن از بین رفته بود شاید قبل از پایان یافتن ساخت ایوان صورت پذیرفته است.

مشخصه آرایش کتی دوره دوم تزیینی ظریف اما بسیار خشک بود و بر روی نوهی اندود که سطح بنای قبلی را کاملاً می پوشاند حکاکی شده بود. می توان گفت این آرایش نمایانگر دقیق تزیینات دوره سلجوقی است. لبه های پایه ستون گنبد به شکل مقرنس های مثلثی بود که با ظرافت بی نظیری با قطعات کاشی به رنگ آبی فیروزه ای در زمینه ای شیری رنگ کار شده بود. با شناخت این آرایش ها می توان تاریخ دوره دوم مسجد را با قیاس نسبت به بقیه بناهای تاریخی تعیین نمود. بنا بر آنچه گفته شد تاریخ آن نیمه دوم قرن هفتم هجری یعنی بین سال های ۶۵۰ و ۶۸۰ است. به علاوه، وجود سنگ قبری که تاریخ آن ۶۷۸ هجری است و در قوس غربی ایوان به کار رفته این مطلب را تأیید می نماید.

از محراب هیچ نشانه ای به جا نمانده است زیرا در دوره سوم مسجد، محراب به طور کامل بازسازی شده است. مشخصه بارز دوره سوم دکوری است که بر روی اندود ظریفی از گچ به کار رفته است. آرایش فضاهای داخلی کاملاً به وسیله این اندود پوشیده شده اند. با وجود این، هلالیم نقاشی، هرچند که خیلی از بین رفته اند قابل مشاهده اند: نقوش گل و بوته یا شاخ و برگ دار بسیار ظریفی قسمت های خرطومی سقف را دربر گرفته اند. این قسمت های استوانه ای شکل دارای نقوش بسیار پیچیده و زیبای گل سرخ و ستاره ای شکل بودند. روی دیوارهای بلند شرقی و غربی دو نوار افقی وجود داشتند که سه تا از همین گل سرخ های نقاشی شده در بالای کمان ها را از هم جدا می نمودند. این آرایش ها به رنگ سبز و سرخ بر روی اندودی سفید رنگ نقاشی شده بودند. دیوارهای اندرونی مسجد نیز در ارتفاع یک متری دارای برآمدگی کوچکی بودند که نقاشی و تزیین شده بودند. به کمک روکش خشتی محراب بزرگی در مقابل

دیوار بلند چوبی ساخته شده است. این محراب که بین قسمت های استوانه ای سقف جفت و جور شده از برآمدگی کمی برخوردار است. اما این مسئله هم آهنگی موجود بین نسبت ها و اندازه های به کار رفته در مسجد را از بین نمی برد. زیر سه طبقه از مقرنس کاری های بسیار ظریف و بی نظیر کمان عربی از داخل به کار گرفته شده که به زیبایی و اهمیت محراب می افزاید. این محراب بسیار مرتفع در بخش فوقانی شامل ترکیبات نسبتاً برجسته مقرنس کاری است و در بخش زیرین آن سطح مستطیلی شکلی وجود دارد که دربرگیرنده کتیبه ای است. بسیار زیبا. امروزه متأسفانه این کتیبه از بین رفته است. پایین محراب شامل سه سطح عمودی می باشد و به وسیله مقرنس های کوچک پوشیده شده است.

می توان از سبک ساخت محراب و تزیینات دیواری آن تاریخ ساخت تقریبی آن را به دوره سوم منسوب کرد. یعنی آغاز قرن هشتم هجری ۱۸، اما در دیوارهای بلند ایوان هیچ آرایشی از این دوره مشاهده نشده است. با گذشت زمان این بنا به شکل امروزی اش درآمد. تاریخ تخریب محراب را می توان بین سال های ۱۰۰۵ و ۱۰۷۱ یعنی هنگام بازدید آل آریؤس یا لوبرن دانست. تقریباً در همین زمان بود که اتصالات جانبی، انسدادها و شکاف در قسمت های مختلف و ضعیف ناهمگونی را که اکنون مشاهده می شود، به وجود آوردند. در دوران صفویان نیز تقریباً هیچ گونه اصلاح و ترمیمی صورت نپذیرفت.

در آخر سخنی چند نیز در مورد مناره مسجد قابل ذکر است: این مناره در فاصله تقریبی ۱۶ متری مسجد واقع شده و همان طور که آل آریؤس آن را مشاهده نموده «برج گردی است که ارتفاع منحصر به فردی دارد». امروزه فقط ۵ متر از ارتفاع آن باقی مانده که بر روی پایه ای هشت گوش قرار گرفته است. در آرایش ظاهری این مناره ترکیبات ماهرانه خشت ها را می توان دید که در وسط آن ها مدخلی برای پلکان قرار داشته است. در بخش فوقانی و زیرین این

## پی‌نوشت‌ها:

۱. لوستراخ، شهرهای خلای شرقی، انتشارات دانشگاهی کمبریج، ۱۹۳۰، صفحه ۱۶۸.
۲. رجوع شود به نقشه‌های مدوّر فرروزآباد و داراب‌شهر در نقشه‌های معروفت باستان‌شناسی در ایران باستان، نوشته اول استین، تجدید چاپ در عراق، جلد سوم شماره ۲ و ۱۰ و نیز رجوع کنید به نقشه منظم شهر شاپور در مجله هنرهای آسیایی، مقاله‌ای از ژ. سالیس و آر. شیرخسان، شماره ۳، سپتامبر ۱۹۳۶.
۳. دایرةالمعارف اسلامی، پاریس، ۱۹۱۳، جلد اول، صفحه ۴۲۲، مقاله «اردبیل».
۴. باربه در می‌نورد، فرهنگ جغرافیایی، تاریخی و ادبی ایران باستان و نواحی مجاور آن.
۵. ف. سار در کتاب *denkmäler Persischer Baukunst*، برلین (ارنست و شونت)، ۱۹۱۰، صفحه ۵۰.
۶. لویزن، سفر به ایران باستان، پاریس، ۱۷۱۸.
۷. ف. بانو نیز احتمالاً هنگامی که از کاخ عثمان‌خان در اردبیل نام می‌برد مرتکب همین اشتباه شده. رجوع شود به هنر معماری شرق در قرون وسطی و قرون جدید، رساله تاریخ هنر، پاریس (۵)، لورنس، ۱۹۱۲، صفحه ۱۹۶.
۸. F. Sarre
۹. ف. سار، همان‌جا، صفحه ۲۲۳-۱۸۹، وی پایه‌ریزی مسجد بزرگ اردبیل را به خاندان خزندی در سال ۱۰۱۷ (۴۰۸ هجری) نسبت می‌دهد. به نظر می‌رسد موضوع مربوط به یک بنای واحد باشد زیرا به‌عنوان مثال مؤلفان از یکی از این کمان‌ها صحبت می‌کنند که نشان‌دهی حتماً صحیح است.
۱۰. به‌عنوان مثال می‌توان این شیوه را با تزئینات سلجوقیان در مساجد جمعه اصفهان، گنباگان، اردستان و... مقایسه نمود.
۱۱. ف. بنو آلمیس مسجد بزرگ اردبیل را به خاندان خزندی در سال ۱۰۱۷ نسبت می‌دهد.
۱۲. مثلاً مسجد جمعه یزد.
۱۳. رجوع شود به نقشه‌های دختر فرروزآباد، اول استین، همان‌جا.
۱۴. رجوع شود به نظری بر هنر پارسی، آرتور پوپ، لندن، نیویورک، ۱۹۳۹، جلد دوم، صفحه ۹۳۱، مقاله «رنگ شروور».
۱۵. رجوع شود به مقبره اسماعیل سامانی، نوشته ل. وامل در بولتن مؤسسه ابریکایی پژوهش در هنر و باستان‌شناسی پاریس، جلد چهارم، شماره یک، ژوئن ۱۹۳۵.
۱۶. معابد زرتشتی گامی شامل چنین زاهدیهایی هستند؛ رجوع شود به کتاب آتشکده شرف‌آباد، نوشته م. سیرو.
۱۷. شهر اردبیل در دامنه آتشفشان سیلان واقع شده است. در این منطقه زمین‌لرزه‌های نسبتاً فراوانی وجود دارد. آب و هوای آن سرد است و در طول زمستان برف و باران زیادی می‌بارد؛ به‌غیر از هجوم مغول‌ها، دلایل مذکور برای تخریب ساختمان بنا به نظر گامی می‌رسند.
۱۸. به‌عنوان مثال می‌توان مقبره حسن گنجسرو در ابرو و نیز بناهای متعدد یزد و هم‌چنین آخرین تزئینات سلطانیه را در دیدن این بناها دانست.

برج استوانه‌ای، ترکیبات خشت‌ها افقی است و در اتصالات عمودی تورفته آن می‌توان علائم و نشانه‌های دوره سلجوقی را مشاهده نمود. اندازه خشت‌ها همان اندازه‌ای است که در ساخت بخش‌های مختلف مسجد مورد استفاده قرار گرفته است. چندین سنگ قبر نیز در آرایش مناره به‌کار رفته‌اند که متعلق به دوره‌های پیشتر می‌باشند.

در مورگان در مورد این بنا توصیفی ارائه نموده که دقیقاً منطبق بر تصویر شماره شانزده ما می‌باشد اما در نام‌گذاری آن اشتباه کرده و این اشتباه شاید به‌خاطر وجود سنگ قبرهایی است که از آن صحبت به‌میان آمد. در توصیفی که وی به‌عمل آورده، می‌توان دامنه دیواری را مشاهده نمود که اکنون از بین رفته است. این مطلب با نقشه ترسیم‌ی آل‌آریؤس نیز منطبق است. طبق این نقشه می‌بایست اتصال دومی نیز در بخش غربی مسجد وجود داشته باشد. در آن‌جا می‌توان نشانه‌ای از یک زوّه عمودی و عرضی با دو روزنه منظم را مشاهده نمود که محل تکیه اتصالات یک بنا را نشان می‌دهند. در هر حال به‌نظر می‌رسد که از لحاظ معماری این اتصالات و شبیه‌ساخت آن در بخش شرقی مسجد دارای اهمیت بسیاری باشد.

در پایان و در خلاصه، مراحل گوناگون این بنای تاریخی بدین‌شکل است: ابتدا زمینی با قدمت بسیار که بنایی را از عهد ساسانیان دور می‌گیرد. سپس بازسازی مسجدی از همین‌گونه که متعلق به قرن پنجم هجری است در ویرانه این بنا. در همین دوره، ساخت مناره، در قرن هفتم، ترمیم اساسی گنبد و اصلاحات آرایش‌ها بدون تغییر ساختار مسجد.